



بیانات در مراسم بیعت طلاب و روحانیون - 4 / تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً به همه‌ی شما برادران عزیز که معلمان امت و پیشقراولان حرکت به سمت اهداف مقدس اسلام هستید و همیشه مورد توجه و عنایت خاص امام فقید و عزیز ما بودید، این مصیبت بزرگ و ضایعه‌ی جبران‌ناپذیر را تسلیت عرض میکنم.

حقیقتاً سرسلامتی این حادثه‌ی مصیبت‌بار را باید به جامعه‌ی روحانیت داد؛ زیرا آنها وارثان معنوی امام (ره) هستند؛ همچنان که علمای امت، وارثان انبیای الهی (ع) میباشند و امام بزرگوار و فقید ما، خود وارث سلسله‌ی انبیا (ع) در علوم و اهداف و راهشان بود.

از آن‌جا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی شریعت اسلام ناب محمدی (ص) استوار شده است، نمیتواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسأله این نیست که ملت ایران یا مسؤولان این کشور بخواهند با روشهای معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح میشود، به‌طور طبیعی همه‌ی فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.

اگر عوامل تبلیغاتی استکبار علیه انقلاب اسلامی سمپاشی میکنند، غیر از این انتظاری نیست؛ چون مبنای تبلیغات آنها بر تزویر و خدعه و دروغ است. مسأله این است که وقتی یک فکر درست و یک تفکر آزادکننده و بیدارکننده متکی به اسلام بود، در تمام آفاق و بلاد اسلامی، طرفدار و خریدار و دلباخته خواهد داشت.

چه کسی از ایران به اقصی نقاط کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی رفته بود و از فضایل امام امت (ره) برای آنها سخن گفته بود که این حرکت عظیم در دنیا، به طرفداری از او در زمان حیات بابرکتش، و به عزاداری آن عزیز پس از رحلتش، برخاست. علی‌رغم میل استکبار، دنیای اسلام و امت اسلامی یکپارچه است. وقتی از اسلام و اصول انقلاب و اهداف انقلاب اسلامی سخن میگوییم، مخاطب ما همه‌ی مسلمانان عالم هستند؛ و آن هنگام که از مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و قلدرها و غارتگرهای جهان حرف میزنیم، مخاطب ما تمام مستضعفان عالمند. این، طبیعت پیام ماست؛ استکبار جهانی هم این مطلب را میداند. دشمنی او با ما و امام (ره) و انقلاب اسلامی نیز به خاطر همین نکته است.

نکته‌ی دیگر این است که اگر قرار باشد ارزشهای اسلامی به صورت ارزشهای قطعی در دنیا مطرح شود و دل انسانها را جذب کند و بر مبنای آن در زندگی مسلمانها تغییری به وجود آید، باید وحدت بین آنها حفظ شود. با شعبه شعبه شدن و دشمنی کردن و جنگ فرقه‌یی راه انداختن، امکان ندارد که مسلمین به وحدت دست یابند.

ما به فرقه‌های عالم اسلام نمیگوییم از عقاید مخصوص فرقه‌ی خود دست بکشید و عقاید فرقه‌ی دیگر را قبول کنید؛ اما به همه‌ی مسلمین میگوییم در میان ما موارد مشترک، بیشتر و مهمتر و اساسیتر از موارد اختلاف است.



دشمنان ما روی موارد اختلاف تکیه میکنند؛ ما برعکس باید مواضع مشترک را تقویت کنیم و نگذاریم دشمن بهانه به دست آورد و با تفرق ما، نقطه‌ی فشار روی پیکر امت اسلامی را پیدا کند.

خوشبختانه در ایران این مسایل را حل کرده‌ایم. بسیاری از برادران ما در نقاط مختلف عالم اسلام نیز این موارد را یا حل کرده‌اند و یا به حل آن نزدیک شده‌اند؛ اما دشمن از دیرگاه دست‌بردار نبوده است. از نزدیک به دویست سال پیش - هنگامی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد - تا امروز، روی قضیه‌ی اختلاف بین فرقه‌های مسلمین کار کردند؛ ما باید خیلی مواظب باشیم. شیعه و سنی باید خود را متعهد کنند که در راه نزدیک کردن فرق اسلامی به یکدیگر بکوشند و از محبت و تعامل برادرانه با یکدیگر، حراست و پشتیبانی کنند.

مطلب اصلی و آخر، راجع به روحانیت است. سعی استعمار در تمام عالم اسلام این بود که یا علمای دین را از بین ببرد و از صحنه خارج کند، و یا این‌که هویت واقعی آنها را مخدوش و بیخاصیت کند. در بعضی از کشورها، جامعه‌ی روحانیت، محدود به یک مرکز و دفتر کوچک شد که برخی از کارهای نه چندان مهم را انجام میداد و با زندگی روزمره‌ی مردم ارتباطی نداشت و فرد روحانی حتی نمیتوانست به تعلیم دین مبادرت ورزد.

در جوامعی که نابودی روحانیت ممکن نبود، سعی میکردند این قشر را به قدرتها و دربارهای فاسد و حکومت‌های جایر وابسته کنند. آخوندهای وابسته‌ی درباری که این همه در بیانات امام عزیز از آنها به بدی و نفرت یاد میشد، به اسلام و مسلمین خیلی خیانت کردند. امام سجاد (ع) به یکی از اشخاص نام‌آور زمان خود فرمود: «میبینم گردن خودت را برای ستمگران محور آسیاب قرار دادی، تا آنها مظالمشان را بر گرد محور گردن تو بگردانند و با تکیه به تو، به مردم ظلم کنند» (1). آن عالمی که توجیه‌کننده‌ی ظلم دستگاه‌های فاسد باشد، از خود آن دستگاه‌ها خطرناکتر است. آن روحانیتی که مبتنی بر اهداف استکبار عمل کند، زشت‌ترین و پلیدترین ایادی او به حساب می‌آید؛ چون با ظاهر حق، باطن باطل را ترویج میکند.

استکبار سعی کرد با پول و تطمیع و فشار، در طول نزدیک به دو قرن، این پدیده‌ی خطرناک را در کشورهای اسلامی رواج دهد. البته در این راه کاملاً هم موفق نبود؛ به خاطر این‌که در تمام دنیای اسلام - مخصوصاً ایران - جامعه‌ی روحانیت در مواضع حق و قاطع خویش ایستاد و در ایران انقلاب عظیم را به راه انداخت و نظام مرتفع جمهوری اسلامی را به وجود آورد و پرچم اسلام را در دنیا برافراشت و این دین را عزیز کرد.

اگر روحانیت در کشور ما جلودار این قضیه نبود، نهضت همه‌گیر نمیشد و نیروها در راه اسلام به کار نمیافتاد. در دنیای اسلام هم علمایی را میشناسیم که در سخت‌ترین شرایط و دشوارترین فشارها، حق گفتند و دنبال آن حرکت کردند. اینها کسانی بودند که به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی و امام (ره) و انقلاب، فشارهای سختی را در کشور خود تحمل کردند. یقیناً این افراد، جزو بندگان صالح خدا هستند و پرچمی را به اهتزاز در آوردند که آبروی روحانیت را حفظ کرد.

کسانی هم هستند که نقطه‌ی مقابل اینها عمل کردند و ضرر زیادی به اسلام زدند. اینها وسیله‌ی توطئه و نفوذ و تبلیغات دشمن هستند. مردم مسلمان دنیا باید از شر آنها به خدا پناه ببرند و آنها را «الدّالّخصام» مفاهیم و ارزشهای اسلامی بدانند.



تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌یی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هر چه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

امام (ره) از روحانیت خیلی تجلیل و حمایت کردند. هر حرکتی که روحانیت انجام دهد و برای اسلام و مسلمین مثمر و بابرکت و درخشان و مفید باشد، برای امام نیز آبرو و ذخیره است. برعکس، هر حرکتی که از جامعه‌ی روحانیت و افراد معمم سرزند که خدای نکرده باعث ایجاد تردید در ذهن مردم یا ابهام در عقاید و افکار آنها و یا موجبات بدبینی مردم نسبت به روحانیت را فراهم آورد، مایه‌ی سرشکستگی اسلام و انقلاب - و بخصوص امام عزیزمان - خواهد بود، که باید با آن مقابله شود.

اعتقاد این است که بزرگان علمای حوزه‌های علمیه در سراسر کشور، میتوانند و میباید نهایت سعی و تلاش را در استحکام فکری و اخلاقی و علمی یکایک طلاب و روحانیون بکنند و از این قضیه‌ی مهم آسان نگذرند. به همین طریق، با زشتیهای داخل صنف روحانیت نیز مقابله کنند. چه قدر امام عزیز (ره) نسبت به این قضیه، با دقت و هوشیاری برخورد میکردند؛ به همین خاطر دستور دادند دادگاه ویژه‌ی روحانیت، برای مقابله با کجیهای این جامعه به وجود آید. ایشان احکام مسؤولان آن دادگاه را نوشتند، من هم تنفیذ و تأیید کردم. باید آن دادگاه با قوت و قاطعیت عمل کند، تا جامعه‌ی روحانیت بتواند زیبایی و درخشندگی و صفای معنوی خود را بیش از پیش نشان دهد. حقیقتاً علمای دین، اعلام دین هستند. هر عالمی، یک علم برای اسلام و یک حجت بر دوست و دشمن است. «حجة الاسلام» به معنای واقعی کلمه، همین منظور را افاده میکند.

زحمات شما آقایان محترم و علما و فضلا و طلاب و گویندگان در طول این ده سال، با زحمات هیچ قشری قابل مقایسه نیست. در این مدت، تلاشها و صدق و صفا و حضور شما در صحنه‌های گوناگون، دل‌های مشتاق را به تپش درآورد و آنها را آماده‌ی فداکاری کرد.

چه قدر دشمنان اسلام در جاهای مختلف قصد خرابکاری داشتند، ولی حضور یک روحانی مانع از خرابکاری آنها شد. امروز انقلاب و جمهوری اسلامی، باز هم به همان تلاشها نیازمند است. هنوز هم باید جامعه‌ی روحانیت، بیشترین و سنگینترین بارها را بر دوش خود احساس کند و پیشقراول و پیشتاز قشرهای گوناگون مردم باشد، و همچنان که امام (ره) همواره توصیه میکردند، دین و اخلاق و معنویت را، با عمل و زبان خود در جامعه پیرا کند و همه‌ی دلها را متوجه‌ی معنویت و دین و اخلاق کند.

یک بار دیگر از همه‌ی برادران گرامی و آقایان محترم و علما و فضلا و طلاب که از راههای دور و نزدیک تشریف آوردند و این اجتماع را تشکیل دادند، صمیمانه تشکر میکنم و توفیق و تأیید و نصرت شما را از خدای متعال مسألت مینمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

(1) تحف العقول، ص 275